

حوادث ۱۹ خرداد

تلنگر

سرقت از طلافروشی تحت تأثیر قرص افسردگی

پسر جوان که مسلحانه به مغازه طلافروشی دستبرد زده بود، پس از دستگیری ادعای عجیبی مطرح کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۸ یکشنبه پنجم بهمن امسال مرد جوان مشغول کاردر مغازه طلافروشی خود در محله جوادیه تهران بود که مردی به عنوان مشتری وارد مغازه شد. او کلاه و ماسک داشت و با ترساندن دو مشتری مغازه، اسلحه را به سمت یکی از طلافروشان نشانه رفت و ماشه را چکاند اما گلوله گیر کرد و اسلحه عمل نکرد.

مرد طلافروش زنگ خطر را به صدا درآورد و همان موقع برادرش وارد مغازه شد و سد راه سارق شد. سپس دو برادر سارق را دستگیر کردند. مأموران کلانتری جوادیه تهرانپارس بعد از پنج دقیقه در محل سرقت حاضر شده و سارق را دستگیر کردند.



متهم در بازجویی‌ها مدعی شد: اسلحه را چند روز قبل در خیابان پیدا کردم. روز حادثه از شهرستان به تهران آمدم تا به خانه یکی از اقوام‌مان بروم. اما او خانه نبود. در خیابان پرسه می‌زدم تا او بیاید که مردی سراغم آمد و اسلحه را سمیتش برده‌ام و یک قرص داد و گفت این را بخور تا افسردگی‌ات درمان شود.بعد از خوردن قرص‌ها حالت توهم به من دست داد و با دیدن طلافروشی وارد آنجا شدم. فریاد زدم این دزدی مسلحانه است و طلاها را بریزید داخل کیفم، زن و مرد مشتری وحشتزده بودند. یکی از طلافروش‌ها سمت آمد که اسلحه را سمیتش گرفتم و اختیار به چکاندم که شلیک نکرد. اختیار دست خودم نبود اگر اسلحه سالم بود شاید اتفاق تلخی رخ می‌داد.



یافت. هشت میلیون و ۸۷۷ هزار و ۷۴۰ عدد انواع قرص و داروهای غیرمجاز که اغلب قاچاق و تاریخ مصرف گذشته بود در مخفیگاه او در محله نازی‌آباد کشف شد. متهم در بازداشت به‌سر می‌برد. تحقیقات از وی برای رازگشایی از دیگر جرایمش و همدستان احتمالی وی از سوی پلیس ادامه دارد.



۳ معلم

حاشیه‌زده

بیاوریم.» او تأکید کرد مقام‌های وزارت آموزش و پرورش و اداره‌کل آموزش و پرورش استان خوزستان «کمترین همکاری» را داشته‌اند و ما اعضای خانواده پیگیر کارهای برادرم هستیم و مسؤولان آموزش و پرورش خوزستان فقط تلفنی با ما در تماس بودند.

محمد درواکنش به این موضوع گفت: «چیزی که من دیدم، این بود که همان روز اول، از اداره‌کل استان آمدند و به بیماران سرگشی کردند و با پزشکان معالج آنها در خصوص وضعیت جسمی، اسکان همراهان بیمار و هزینه‌های درمانی صحبت کردند. تا جایی که من اطلاع دارم به آقای رضایی گفته بودند که اهواز و اصفهان با هم تفاوت چندانی ندارد، اما آقای رضایی گفته‌اند که ما به اصرار شخصی خودمان می‌خواهیم برادرم را به اصفهان ببریم. از موضوع انتقال به تهران اطلاع ندارم، اما شاهد هستم که دکتر معالج‌شان تأکید کرد و گفت آنها با اصرار خودشان بیمارشان را به اصفهان منتقل کردند. نمی‌گویم آنها خدای ناکرده دروغ گفته‌اند، اما چیزی که من در بیمارستان شنیدم این بود.»

او ادامه داد: «در مورد بحث کمترین همکاری هم به نظرم کم لطفی کرده‌اند. چون همان اولین روز حادثه، خود مسؤول اداره‌کل آموزش و پرورش به بیماران کارت هدیه یک میلیون تومانی داد و این را هم اضافه کرد که اصلاً نگران هزینه‌های بیمارستانی نباشند و ما با رئیس بیمارستان صحبت کردیم که با تمام‌توان در اختیار بیماران نباشند. از طرف دیگر حتی در بحث اسکان همراهان بیمار نیز با سوئیت متعلق به آموزش و پرورش هماهنگ شده است تا پذیرایی آنان باشد. ضمن این‌که من خبر دارم که آموزش و پرورش دو میلیون تومان به حساب پدر من واریز کرده و گفته است که این مبلغ صرف هزینه‌های رفت‌وآمد و دیگر مخارج شود، اما اطلاع ندارم که این رقم به حساب سایر مصدومان نیز واریز شده است یا خیر.»

هم موضوعی بود که محمد آن را رد کرد و گفت: «آموزش و پرورش اگر خیلی سخاوتمند است، یک خودرو در اختیار معلمان قرار دهد که روز شنبه با آن به روستا بیایند و چهارشنبه هم دنبال‌شان بیایند و آنها را به شهر برگردانند نه این‌که بایک موتور در یک جاده صعب‌العبور رفت‌وآمد کنند. موضوع بعدی در مورد غذای گرم است. بُعد مسافت از شهر تا روستای چلنگرستان زیاد است. آموزش و پرورش چطور ادعا می‌کند سه وعده غذای گرم ارسال می‌کند؟ اگر ناهار ارسال‌کننده تا به روستا برسد شب شده است. مسؤولان آموزش و پرورش بگویند کجا غذای گرم ارسال می‌شود که این روستا دومی باشد؟ چنین چیزی وجود ندارد. معلمان خودشان غذا درست می‌کنند و بنابراین به آن پیک نیک نیاز داشتند. در برخی مناطق شهری هنوز گازکشی وجود ندارد چه برسد به این روستا. پدر من که معلم یکی از مدارس ساختمانی همین روستاست، در زمان آمدن به روستا با خود گوشت و ماکارونی و مواد لازم می‌آورد تا غذا درست کند. پیک نیک نباشد. معلمان با چه چیزی برای خود جای درست کنند؟ آن چوپان هم شب حادثه آمده بود پیک نیک بگیرد تا برای خودش جای درست کند. طرح چنین ادعاهایی عجیب است وقتی خواندم، خنده‌ام گرفت. در چنین شرایطی که خانواده‌های مصدومان و مصدومان از نظر روحی و جسمی در شرایط نامناسبی هستند، طرح این مسائل منصفانه نیست.»

موضوع سومی که باز هم حاشیه‌هایی همراه داشت، صحبت‌های برادر یکی از معلمان مصدوم است که چند روز پیش در مصاحبه‌ای گفته بود: «برادر من بیش از بقیه دچار سوختگی شده و ما از مسؤولان آموزش و پرورش خواستیم که او را به تهران منتقل کنند اما با ما همکاری نکردند و مجبور شدیم او را به اصفهان

هنگام گشتزنی در حوالی بازار تهران یکی از دلالان بازار داروهای قاچاق را که در حال فروش مقدیری دارو به چند شهروند بود، شناسایی کردند و او بازداشت شد. وی افزود: در بازرسی اولیه از خودروی متهم، ۵۰۰۰ عدد قرص و ۱۵ قوطی شیشه‌ای انواع داروهای قاچاق کشف و متهم برای تحقیقات به پایگاه هفتم پلیس انتقال

بازداشت دلال داروی قاچاق

یک دلال داروهای قاچاق و تاریخ مصرف گذشته بازداشت و از مخفیگاه او هشت میلیون و ۸۰۰ عدد انواع قرص و دارو کشف شد. به گزارش جام‌جم، سرهنگ نادرمرادی، معاون نظارت بر اماکن عمومی پلیس امنیت تهران بزرگ گفت: مأموران اداره نظارت بر اماکن عمومی پایگاه هفتم پلیس امنیت تهران بزرگ،

یکی از مصدومان حادثه آتش‌سوزی کانکس، در بیمارستان جان باخت

روایتی جدید از سوختن معلمان

باگذشت بیش از یک هفته از وقوع آتش‌سوزی در کانکس مدرسه روستای چلنگرستان دزفول، حاشیه‌های ناتمام سوختن سه معلم و سه نوجوان اهوازی دیگر همچنان باقیوت ادامه دارد. درحالی‌که دیروز هفتم بهمن و به اعلام پیمان نجاتی، رئیس بیمارستان سوانح و سوختگی طالقانی اهواز، یکی از دانش‌آموزان این حادثه به‌نام نیمامه‌متی چالگرد و یکی از اهالی کنگرستان از توابع سردشت دزفول با حدود ۱۵ سال سن و بر اثر ۸۰ درصد سوختگی جان باخت اما بحث و جدل مسؤولان نهادهای مختلف در خصوص علت وقوع حادثه و دانش‌آموز بودن یا نبودن دو نوجوان دیگر هنوز پایان نگرفته است.

رئیس بیمارستان طالقانی اهواز همچنان اعتقاد دارد دو نوجوان دیگر دانش‌آموز هستند اما نقطه مقابل آن فریبرز حمیدی، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش است که در اظهارنظری صریح، دانش‌آموز بودن هر سه نفر را از بیخ و بن رد کرد. هنوز مدتی از تکذیب حمیدی نگذشته بود که این بار محمد حسین کفراشی، مدیرکل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش و پرورش نسبت به آن واکنش نشان داد و گفت: «سه نوجوان ۱۴ تا ۱۶ساله در این حادثه دچار سوختگی شدند که دو نفر در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ و یک نفر امسال ترک تحصیل کرده است.» در همین رابطه دوباره با محمد عیسی پره، پسر یکی از معلمان صحبت کردیم و او به جام‌جم گفت: «از سه نوجوان، دو نفرشان دانش‌آموزند که در شهر تحصیل می‌کردند و جزو دانش‌آموزان روستا نبودند. ما چرا از این قرار است که با مجازی شدن آموزش‌ها، دو دانش‌آموز از شهر به خانه پدری‌زرگ‌شان در روستا آمدند تا در آنجا به تحصیل خود ادامه دهند. فرد سوم، دانش‌آموز نیست و چوپان روستاست که بین ۱۵ تا ۱۸سال دارد. هر سه نوجوان این حادثه در این محدوده سنی هستند. بعد از گذشت یک تا دو روز پس از وقوع حادثه، هنوز هیچ‌کس و حتی مسؤولان آموزش و پرورش استان نیز اطلاع نداشتند که دو نفر از اینها دانش‌آموز بودند. چون همگی و حتی پدرم در بخش مراقبت‌ها بستری بودند، نمی‌شد به‌طور دقیق هویت هر سه نوجوان را احراز کرد.»

علت آتش‌سوزی از زبان معلم

ابهام دیگری که در رسانه‌ها مطرح شد، بحث علت وقوع آتش‌سوزی در کانکس است. امید بن عباس، مدیرکل مدیریت بحران استان خوزستان در گفت‌وگو با جام‌جم تصریح کرد: «براساس شواهد موجود، علت این حادثه برخورد صاعقه نبوده و آثار برخورد صاعقه

جسد ۵ کولبر بعد از یک هفته، بدون کمک ترکیه و با تلاش اهالی روستا پیدا شد

داغ ۵ جوان بر دل روستا

هشت روز پس از ناپدید شدن پنج نفر از کولبران

اهل روستای کوران از بخش صومای برادوست شهرستان رومیه در حادثه سقوط بهمن، سرانجام با انجام اقدامات دیپلماتیک میان ایران و کشور ترکیه، جسد هر پنج کولبر از میان ده‌هاتن برف خارج و به خانواده‌هایشان تحویل داده شد.

۲۹ دی‌ماه بود که خبر ناپدید شدن پنج کولبر رومیه‌ای سرتیتر خبر بسیاری از رسانه‌ها شد. محل حادثه، روستای بیریشک در خط مرزی میان ترکیه و ایران بوده که ورود به آنجا تنها با انجام اقدامات دیپلماتیک با کشور همسایه امکان‌پذیر بود. با وجود آن، سرمایه‌گذاران شرکت هم‌رگ که بر بالای سر پنج کولبر سایه افکنده بود، اما دولت ترکیه در همکاری با نیروهای امدادی و انتظامی ایران دائم کارشکنی می‌کرد و می‌گفت خودمان

روستا به اندازه یک سال می‌گذشت. صدای گاه‌وبی‌گاه شایون و واولا از خانه‌های اهالی روستا شنیده می‌شد که برای عزیزان‌شان مرثیه می‌خواندند. کولبران با درد هم آشنا هستند. می‌دانند شاید کولبر بعدی که زیر بهمن می‌ماند یا از کوه سقوط می‌کند و شاید بمیرد، خودشان باشند.

یک روز پس از حادثه، ۱۰۰ نفر از اهالی روستا همراه خانواده‌های کولبران ناپدید شده به سمت محل حادثه حرکت کردند تا شاید ترک‌ها را قانع‌کننده خودشان حتی با دست خالی برف‌ها را کنار بزنند. ترک‌ها با این‌که می‌دانستند جان به‌در بردن از آن برف و سرمای بی‌رحم محال است، ولی مرغ‌شان یک‌پا داشت و می‌گفتند نه. هر ثانیه و دقیقه برای اهالی

آگهی مزایده فروش خودرو

شرکت ونک پارک (سهامی خاص) در نظر دارد، تعداد **۱۰ واحد مسکونی در پروژه ۸۰۰ واحدی واقع در اسلامشهر، میدان الغدیر بعد از خروجی قانیمه را از طریق مزایده به فروش برساند**، لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط جهت شرکت درمزایده دعوت می‌شود از تاریخ نشر این آگهی حداکثر تا ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۹۹/۱۱/۱۸ جهت دریافت اسناد مزایده به دفتر مرکزی شرکت ونک پارک به نشانی: تهران شهرک قدس (غرب)، میدان صنعت، بلوار خوردین، بالاتر از چهارراه هرمزان، شرکت ونک پارک، واحد فروش، مراجعه نمایند.
آخرین مهلت تحویل و تسلیم پیشنهادات: ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۹۹/۱۱/۲۵ می‌باشد.
بازدید از ملک با هماهنگی واحد فروش شرکت ونک پارک امکان پذیر می‌باشد.
هزینه دریافت اسناد: مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
پیشنهادهات واصله روز **دوشنبه مورخ ۹۹/۱۱/۲۷** در محل دفتر مرکزی شرکت ونک پارک بازگشایی می‌گردد.
میزان مبلغ سپرده شرکت در مزایده به مبلغ ۵ درصد از مبلغ کل (پایه) می‌باشد.
شرایط تکمیلی و همچنین شرح مشخصات موضوع مزایده و همچنین مبالغ سپرده، در اسناد مزایده قید گردیده و شرکت‌کنندگان می‌بایست نسبت به دریافت اسناد مزایده، متعهد گردند.
بدیهی است شرکت ونک پارک در رد و یا قبول هر یک از پیشنهادات متقاضیان بدون آنکه نیازی به ذکر دلیل و یا ارائه مستندات باشد، مخیر است.
هزینه درج آگهی و سایر هزینه‌های برگزاری مزایده به عهده برندگان مزایده خواهد بود.
جهت کسب اطلاعات بیشتر یا شماره تلفن ۸۵۵۷۱۷۳۰ تماس حاصل نمایید.

آگهی مزایده فروش خودرو

شرکت ونک پارک (سهامی خاص) در نظر دارد، تعداد **یک دستگاه سواری هیوندای توسان (SUV) ix35 و یک دستگاه وانت مزدا تیپ B 2000 از طریق مزایده به فروش برساند**، لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط جهت شرکت درمزایده دعوت می‌شود از تاریخ نشر این آگهی حداکثر تا ساعت ۱۴ روز یکشنبه مورخ ۹۹/۱۱/۱۲ جهت تسلیم اسناد مزایده به دفتر مرکزی شرکت ونک پارک به نشانی: تهران شهرک قدس (غرب)، میدان صنعت، بلوار خوردین، بالاتر از چهارراه هرمزان، شرکت ونک پارک، واحد فروش، مراجعه نمایند.
هزینه دریافت اسناد: مبلغ ۵۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.
پیشنهادهات واصله روز **دوشنبه مورخ ۹۹/۱۱/۱۴** در محل دفتر مرکزی شرکت ونک پارک بازگشایی می‌ گردد.
میزان مبلغ سپرده **شرکت در مزایده:** جهت خودرو هیوندای ۳۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال و جهت وانت مزدا ۸۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.
شرایط تکمیلی و همچنین شرح مشخصات موضوع مزایده و همچنین مبالغ سپرده، در اسناد مزایده قید گردیده و شرکت‌کنندگان می‌بایست نسبت به دریافت اسناد مزایده متعهد نمایند.
بدیهی است شرکت ونک پارک در رد و یا قبول هر یک از پیشنهادات متقاضیان بدون آنکه نیازی به ذکر دلیل و یا ارائه مستندات باشد مخیر است.
هزینه درج آگهی و سایر هزینه‌های برگزاری مزایده به عهده برندگان مزایده خواهد بود.
جهت کسب اطلاعات بیشتر یا شماره تلفن ۸۵۵۷۱۷۳۰ تماس حاصل نمایید.

قتل مرموز مرد بازنشسته در کوهستان

جسد کارمند بازنشسته توسط کوهنوردان در ارتفاعات شمال تهران پیدا شد.

به گزارش خبرنگارجام‌جم، ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه دوشنبه ششم بهمن امسال گروهی که برای کوه‌پیمایی به ارتفاعات شمال تهران رفته بودند با جسد مردی در داخل دره‌ای روبه‌رو شدند. رد خون روی لباس‌های جسد که مرد سالخورده‌ای بود دیده می‌شد. در ادامه با پلیس تماس گرفتند و تیم مأموران کلانتری ولنجک با حضور در محل، کارت شناسایی مقتول را پیدا کرد که نشان می‌داد مرد ۵۷ساله بازنشسته یک اداره دولتی است. او لباس بیرون از خانه به تن داشت و ساعاتی از مرگش می‌گذشت. آثار ضربه‌های روی بدن و گردنش نشان می‌داد او به آن مکان منتقل شده و در جریان یک درگیری به قتل رسیده است.

خانواده پیرمرد در جریان تحقیقات اظهار داشتند: مرد بازنشسته روز حادثه از خانه بیرون رفته و آنها در تماس پلیس متوجه قتل او در کوهستان شدند.

حبیب ا... صادقی، بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: تحقیقات پلیس جنایی پایتخت برای رازگشایی از قتل کارمند بازنشسته و دستگیری قاتل یا قاتلان فراری او ادامه دارد.